



خلقت آدم و حوا در قرآن و تورات

کیوان امسانی*

زهرا محمدی**

چکیده

در این مقاله خلقت آدم و حوا از دیدگاه ادیان یهود و اسلام مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و نکات مشترک و غیر مشترک مدنظر واقع شده است. به نقش اولین انسان و تأثیر آن در آموزه های این ادیان توجه شده و سعی شده تا به برداشتی صحیح از این مسأله و مشترکات موجود توجه گردد. ابتدا داستان خلقت آدم در این دو کتاب مقدس بیان شده است. سپس خلقت حوا در این دو دین الهی بررسی شده است. در قسمت بعدی مقاله خلقت حوا در روایات بیان شده و سرانجام انگیزه خلقت حوا توضیح داده شده است و در پایان وجوه اشتراک و اختلاف آن ذکر شده است. کلید واژه ها: آدم، حوا، قرآن، تورات، خلقت.

*دکتر و عضو هیئت علمی دانشگاه اراک.

** دانشجوی دکتری الهیات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران پردیس فارابی.

داستان آدم و حوا از دیرباز مورد توجه تمامی ادیان، گرایش‌ها و متفکران دینی و غیر دینی بوده است. درباره آفرینش و زندگانی آدم و حوا در دین‌های سه‌گانه یهود و مسیحیت و اسلام، روایات و داستان‌های همسان و همانند آمده است، و این همسانی و همانندی از آنرو است که مبدأ وحی در این سه دین یکی است، لذا تحقیق در این مورد می‌تواند بسیاری از سؤالات را در مورد حقیقت و هدف خلقت خداوند از نوع بشر پاسخ دهد. در این پژوهش سعی خواهد شد تصویری تقریباً جامع از مسأله خلقت آدم و حوا ارائه شود. موضوع حضرت آدم و آفرینش وی در دین اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است. حضرت آدم از دیدگاه اسلام نخستین پیامبر (ص) است و چون مسلمانان بخواهند آغاز و پایان نبوت را نشان دهند، عبارت از آدم تا خاتم را به کار می‌برند. داستان آدم (ع) درس انسان‌شناسی است که از مهمترین معارف است. بررسی و تحلیل درست داستان آدم و حوا، ما را با اصل و ریشه خود آشنا می‌سازد.

پیشینه بحث

آثار زیادی درباره داستان پیامبران و از جمله حضرت آدم و حوا پدید آمده است. برخی از کتب تاریخی به بررسی سطحی موضوع بسنده کرده‌اند و در برخی پژوهش‌ها فقط این داستان را از منظر اسلام یا قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند، برخی دیگر این داستان کلی حضرت آدم و حوا را در تورات و یا عهدین بیان نموده‌اند، ولی تحت عنوان خلقت آدم و حوا پژوهشی کامل و همه‌جانبه عرضه نشده است. از جمله این آثار می‌توان به رساله‌های زیر اشاره کرد:

۱. «فیروز مهر - ۱۳۷۹» پژوهشی تحت عنوان بررسی و مقایسه قصص انبیاء در قرآن و عهدین انجام داده است.
۲. «نیک نژاد - ۱۳۸۰» پژوهشی تطبیقی درباره بهشت آدم و حوا در قرآن و احادیث و تورات انجام داده است.
۳. «صالحی - ۱۳۸۳» به تحلیل داستان آدم در قرآن پرداخته است.

تورات کتاب مقدس یهود

عهد عتیق یا عهد قدیم کتاب مقدس یهودیان است که مسیحیان نیز آن را پذیرفته و به عنوان بخش اول از دو بخش کتاب مقدس قرار داده اند. عهد عتیق نامی است که مسیحیان در مقابل عهد جدید به این کتاب داده اند؛ اما یهودیان به کتاب مقدس خود «تنخ» می گویند و مسلمانان آن را تورات می نامند.

مجموعه کتب مقدس یهود که به اختصار «تنخ» نامیده می شود، در بردارنده کتاب هایی است که از طریق مُشه ربنو - حضرت موسی - و دیگر پیامبران الهی به یهودیان رسیده و ریشه هایی بس عمیق در روح و روان ملت یهود دارند، به حدی که شالوده و اساس معتقدات اخلاقی، رسوم اجتماعی و ایمان یهودیت را تشکیل می دهند و بدون آنها زندگی و حیات دینی مفهومی ندارد. به اعتقاد یهود همه مطالب این کتاب ها و حتی نحوه جمله بندی، گزینش واژه ها، حروف و غیره را خداوند متعال به انبیا الهام فرموده است. یهودیان سراسر دنیا این کتب مقدس، آسمانی و غیر قابل تغییر و تحریف شمرده و به تعالیم آنها که اصول بنیادین یهودیت است، اعتقاد راسخ دارند. در واقع، هیچ کدام از گروه های یهودی نمی توانند نسبت به این کتب، بی تفاوت باشد.

تورا: تورا به معنای «شریعت» یا «قانون» و مهمترین قسمت تنخ است و متشکل از سفر - جلد - است. آن ها عبارتند از: ۱. برشیت - پیدایش - ۲. شموت - خروج - ۳. ویقرا - لاویان - ۴. بمیدبار - اعداد - ۵. دواریم - تثنیه -

تورا با آفرینش جهان آغاز می شود و با مرگ مشه - حضرت موسی (ع) - پایان می یابد. این کتاب به اعتقاد یهود گاه با بیان تاریخچه، داستان و نحوه زندگی پیامبران و گاهی هم با بیان صریح اوامر و نواهی، راه زندگی صحیح را به آنان می آموزد. نیز همه دستورها و فرمان هایی که یک یهودی موظف به اجرای آنهاست - ۶۱۳ -، از آن نشأت گرفته اند.

تورا را مشه به بنی اسرائیل طی ۴۰ سال - ۲۴۸۸ - ۲۴۴۸ - اقامت در بیابان آموزش داد که دارای ۵۸۴۵ پاسوق - آیه - و ۱۸۷ فصل یا باب می باشد.

خلقت آدم در تورات:

دوبار و به دو بیان در عهد عتیق از آفرینش آدم سخن رفته است؛ یک بار در باب اول

سفر پیدایش و بار دیگر در باب های دوم تا پنجم آن، که سرچشمه آنها دو روایت مختلف بوده است. در باب اول از تکوین عالم هستی در ۶ روز، و از آفرینش آدم، که نقطه کمال خلقت و مهر پایانی آن است، سخن می رود. «پس از آن که خدا آسمان ها و زمین را آفرید، و با اراده و کلام خود روشنایی را پدید آورد، آب های زیر فلک را از آب های بالای فلک جدا ساخت، روی زمین را از گیاهان گوناگون و انواع جانوران و پرندگان پر ساخت و اجرام فلکی را در آسمان قرار داد، در روز ششم گفت: آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و هم حشراتی که بر زمین می خزند حکومت نماید» (سفر پیدایش باب ۱ آیه ۲۶).

«پس خدا آدم را به صورت خود آفرید او را به صورت خدا آفرید ایشان را نر و ماده آفرید» (سفر پیدایش باب ۱ آیه ۲۷).

«و خدا ایشان را برکت داد و خدا به ایشان گفت بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می خزند حکومت کنید» (سفر پیدایش باب ۱ آیه ۲۸)

«و خدا گفت همانا همه علف های تخمداری که بر روی تمام زمین است و همه درخت هایی که در آنها میوه تخمدار است به شما دادم تا برای شما خوراک باشد» (سفر پیدایش باب ۱ آیه ۲۹).

در باب های دوم تا پنجم داستان خلقت آدم، با تفصیل بیش تر و تقریباً با بسیاری از جزئیاتی که در روایات مسیحی و اسلامی نیز دیده می شود، آمده است. آدم، زن وی حوا، باغ عدن، درخت ممنوع، اغوای حوا و خوردن از میوه آن درخت - نخستین گناه -، رانده شدن از باغ بهشت، زندگی بر روی زمین، زناشویی و آوردن فرزندان و جز آن در این قسمت ذکر شده است.

پس از پیدایش آسمان ها و زمین، خداوند آدم را خلق کرد تا بر روی زمین کار کند. آفرینش آدم از خاک زمین بود، و خداوند در بینی او روح حیات دمید، و از نفخه الهی آدم «نفس زنده» شد. سپس باغی پر از درختان گوناگون در عدن به طرف شرق غرس نمود. «درخت حیات» و «درخت معرفت نیک و بد» را در میان آن قرار داد، و آدم را در آن جا نهاد تا به کار زمین پردازد و باغ را نگهداری کند، ولی او را از خوردن میوه «درخت معرفت نیک

و بد» منع کرد، و به او گفت که اگر از آن بخوری «هر آینه خواهی مرد». آن گاه خداوند همه جانداران و پرندگان زمین و آسمان را که از خاک سرشته بود، نزد آدم آورد تا وی آنان را نام بگذارد، و نامی که آدم بر هر یک از آنان نهاد، همان نام او شد. آدم تنها بود و خداوند خواست تا برای او جفتی و معاونی بیافریند، پس خوابی گران بر او مستولی کرد، یکی از دنده های او را برداشت و از آن حوا را خلق کرد. این که مردان پدر و مادر خویش را ترک می کنند و با همسران خود انس و الفت می گیرند، از آن روست که زن پاره تن مرد است. باب پنجم کتاب پیدایش چنین آغاز می شود: «این است کتاب پیدایش آدم در روزی که خدا آدم را آفرید» (سفر پیدایش باب ۵ آیه ۱) «به شبیه خدا او را ساخت» (سفر پیدایش باب ۵ آیه ۲). «نر و ماده ایشان را آفرید و ایشان را برکت داد و ایشان را آدم نام نهاد در روز آفرینش ایشان». (سفر پیدایش باب ۵ آیه ۳).

و در پاره ای دیگر از آیات چنین آمده است: «خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید و نفس آدم زنده شد» (سفر پیدایش باب ۲ آیه ۷).

داستان آدم در تورات با بیانی دیگر و تفصیلی بیشتر: در فصل دوم از سفر اول که سفر پیدایش است، می گوید: خدا آدم را از خاک خلق کرد، و سپس دم حیات را در بینی او بدمید، پس نفسی ناطق شد، و خدا بهشت هائی در ناحیه شرقی عدن بکاشت، و آدم را که خلق کرده بود به آنجا برد، و خدا از زمین همه رقم درخت بر ویانید، و منظره های آنها را نکو کرد، و میوه هایش را پاکیزه ساخت، و درخت حیات را در وسط آن باغ ها بکاشت، و درخت معرفت خیر و شر را نیز، و نهری از عدن به سوی آن باغ ها بکشید، تا آنها را آبیاری کند، و آن نهر را چهار شقه کرد، اسم یکی از آنها نیل بود، و این نیل به تمامی شهر ذویله که طلا در آنجاست، احاطه داشت، طلا و همچنین لؤلؤ، و سنگ مرمر آن شهر بسیار خوبست، و نام نهر دومی جیحون بود، که به سرتاسر شهر حبشه احاطه دارد، و نام نهر سوم دجله است، که از ناحیه شرقی موصل می گذرد، و نام نهر چهارم فرات است. پس از آن خداوند آدم را گرفت، و در باغ های عدن منزل داد، تا رستگارش کند، و محافظتش نماید، و خدا آدم را فرمود: که تمامی درختان این باغ ها برای حلال است، و می توانی از آنها بخوری، ولی از درخت معرفت خیر و شر مخور، چون در همان روزی که از آن بخوری مستحق مرگ می شوی. خداوند به خودش فرمود: چه چیزی از بقاء آدم

به تنهایی برخاسته است خوبست کمکی هم برایش درست کنم، پس خدا تمامی وحشی‌های صحرا و مرغان هوا را محشور کرده، نزد آدم آورد، تا در پیش روی او آنها را نام گذاری کند، پس هر چه را آدم بر آن جانداران نام نهاد همان تا به امروز نام آن است. پس آدم اسماء جمیع چارپایان، و مرغان هوا، و وحشیان صحرا را، نام برد، ولی هیچ یآوری در مقابل خود ندید، پس خدا چرتی بر آدم مسلط کرد، تا چیزی احساس نکند، پس یکی از دنده‌های سینه او را کند، در جایش گوشت گذاشت، آن گاه خدا از آن یک دنده زنی درست کرد، و او را نزد آدم آورد، آدم گفت: این بار استخوانی از استخوان هایم، و گوشتی از گوشت هایم را دیدم، و جا دارد آن را إمرأة بنامم، چون از امر من اخذ شد، و به همین جهت است که مرد، پدر و مادر خود را رها نموده، زن خود را می‌چسبد، به طوری که یک جسد واحد تشکیل می‌دهند، آن روز آدم و همسرش عریان بودند و از عریانی خود باکی نداشتند» (تورات، ۱۸۱۱، فصل دوم).

خلقت آدم در قرآن

نام مبارک حضرت آدم (ع) که نخستین پیامبر است، شانزده بار به نام آدم (ع) و هشت بار به عنوان بنی آدم (ع) و یک بار به عنوان ذریه آدم (ع) بر روی هم بیست و پنج بار، در نه سوره و در بیست و پنج آیه، در قرآن مجید آمده است.^۱

سور و آیاتی که نام آدم (ع) در آنها ذکر شده است، عبارتند از: (البقرة، ۲/۲۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷- آل عمران، ۳/۳۳ و ۵۹- المائدة، ۵/۲۷- الأعراف، ۷/۱۱، ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۵، ۱۷۲- الإسراء، ۱۷/۶۱، ۷۰- الکهف، ۱۸/۵۰- مریم، ۱۹/۵۸- طه، ۲۰/۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۱۵، ۱۱۶- یس، ۳۶/۶۰).

تفصیل آفرینش انسان در ۶ سوره است: (البقرة، ۲/۳۹-۳۰، الأعراف، ۷/۲۵- ۱۱، الحجر، ۱۵/۴۴- ۲۸، الإسراء، ۱۷/۶۵-۶۱، طه، ۲۰/۱۲۴- ۱۱۵، ص، ۳۸/۸۵-۷۱). این آیات فشرده و پرمعنا است و مفسران و صاحب نظران در تبیین و تفسیر آنها احتمالات بسیار داده اند. به دلیل طولانی شدن سخن فقط به ذکر نام سوره‌ها و شماره آیات آنها بسنده می‌نمائیم. برخی از آیات مربوط به آفرینش آدم، بعضی مربوط به سجده ملائکه بر وی و تعدادی درباره امتناع ابلیس و وسوسه آدم و حوا و هبوط ایشان

است .

امام صادق (ع) می فرماید: «دلیل نامیدن آدم (ع) به این اسم، بدان خاطر است که او از ادیم و پوسته و قشر زمین آفریده شده است» .

و شیخ صدوق گوید: ادیم نام چهارمین لایه درونی زمین است که آدم (ع) از آن خلق شده است .^۲

خداوند آدم (ع) را بدون پدر و مادر بیافرید، تا دلیل باشد بر قدرت الهی .^۳
وی نهصد و سی سال عمر کرد^۴ . ولی در برخی روایات سن او را هزار سال ذکر کرده اند . و سرانجام در پی تبی طولانی در روز جمعه یازدهم محرم وفات یافت و در غاری میان کوه ابوقییس دفن شده و صورت او به طرف کعبه قرار دارد . برخی گویند جنازه آدم (ع) را که در سرزمین مکه دفن کردند، پس از گذشت هزار و پانصد سال، حضرت نوح (ع) هنگام طوفان، جنازه وی را از غار کوه ابوقییس - کنار کعبه - بیرون آورد و به همراه خود با کشتی به سرزمین نجف اشرف برد و در آنجا به خاک سپرد .^۵

جامعترین آیات درباره آفرینش آدم (ع)

بعد از آگاهی از این موضوع، به نظر مهمترین و جامعترین آیه در مورد بیان چگونگی خلقت آدم (ع)، آیات سوره مبارکه حجر می باشد که به آنها اشاره می گردد: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ* وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ* وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ* فإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ* فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ* إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ* قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ* قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» (الحجر، ۱۵/ ۲۶ - ۲۳)؛ «همانا انسان را از گلی خشک برگرفته از لجنی بدبو آفریدیم* و جن را از پیش، از آتش سوزناک آفریدیم* و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: همانا من آفریننده بشری از گل خشک برگرفته از لجنی بدبو هستم* پس چون او را استوار کردم و از روح خود در او دمیدم در برابر او سجده کنان بیفتید* پس فرشتگان همگی سجده کردند* جز ابلیس که از این که با سجده کنندگان باشد خودداری کرد* خداوند گفت: ای ابلیس، تو را چه شده که با سجده کنندگان نباشی؟* گفت: من

آن نیستم که به بشری که او را از گلی خشک بر گرفته از لجنی بدبو آفریده‌ای، سجده کنم».

تفسیر و توضیح آیات: آیات داستان خلقت آدم را بیان می‌کند و نخست از خمیر مایه آدم ابوالبشر خبر می‌دهد که از گل خشک برگرفته از لجنی بدبوست. از آیات مختلفی که در این باره آمده معلوم می‌شود که آفرینش آدم از خاک مراحل مختلفی داشته است و خمیر مایه آدم، نخست خاک بوده که قرآن از آن به «**تراب**» یاد می‌کند، سپس خاک به صورت گل چسبنده درآمده «**طین لازب**» (الصافات، ۱۱/۳۷) و سپس از آن به حالت لجن متعفن درآمد «**حَمًا مَسْنُونًا**» و آنگاه خشک شد و به حالت گل خشک مانند سفال درآمد «**صَلْصَالٌ كَالْفَخَّارِ**» (الرحمن، ۱۴/۵۵). بنابراین، تعبیر «**تراب**» (آل عمران، ۵۹/۳) و «**طین لازب**» (الصافات، ۱۱/۳۷) و «**حَمًا مَسْنُونًا**» و «**صَلْصَالٌ**» که در آیات قرآنی آمده، هر کدام اشاره به مرحله‌ای از ساخته شدن خمیر مایه آدم دارد.

آیات - ۲۸ - ۳۳ - سوره حجر پس از ذکر خمیر مایه آدم و جن، داستان خلقت آدم و درگیری ابلیس با او را بیان می‌کند در آغاز گفت وگویی خداوند با فرشتگان را مطرح می‌سازد که خداوند به فرشتگان خبر داد که از گل خشک برگرفته شده از لجنی متعفن موجودی به نام بشر خواهد آفرید و از آنها خواست که وقتی این موجود آفریده و روح خدا در او دمیده شد همگی در برابر او به سجده افتند و به او احترام کنند.

علامه طباطبایی مراحل خلقت آدم را بدین صورت بیان کرده است: ۱. خاک؛ ۲. گل؛ ۳. گل متعفن؛ ۴. ساختن اجزاء؛ ۵. اتصال اجزاء در مکان مناسب آن؛ ۶. دمیدن روح در آن.

ابعاد زندگانی حضرت آدم(ع)

در قرآن مجید راجع به حضرت آدم(ع) ویژگی‌های مختلف و گوناگونی ذکر شده است و ما به برخی از حالات مزبور اشاره می‌کنیم که عبارتند از:

نخست: خلقت حضرت آدم(ع) و آفرینش او؛ آدم(ع) از دو بعد تشکیل شده، جسم و روح، خدا نخست جسم او را آفرید، سپس از روح خود در او دمید و به صورت کامل او را زنده ساخت. از آیات مختلف قرآن و تعبیرات گوناگونی که درباره چگونگی آفرینش

انسان آمده، به خوبی استفاده می شود که انسان در آغاز، خاک بوده است.^۷ از پیامبر (ص) سؤال شد که آیا سرشت آدم (ع) از تمام انواع گل بوده است و یا نوعی خاص از آن؟ حضرت فرمود: «سرشت وی از تمام گل بوده است و اگر غیر این می بود انسان ها یکدیگر را باز نمی شناختند و تمام آن ها به یک شکل و صورت می بودند و هم چنان که خاک کره زمین در رنگ های مختلف از سفید و سرخ و بور و زرد متنوع است و نیز به جهت شرایط آب و هوایی به صورت حاصل خیز و شوره زار درآمد است، به همان شکل انسان ها نیز به صورت نژادها و رنگ های مختلف در سراسر جهان پراکنده شده اند».^۸

سپس با آب آمیخته شده و به صورت گل درآمد است (الأنعام، ۲/۶) و بعد به گل بدبو - لجن - تبدیل شده (الحجر، ۲۸/۱۵)، سپس حالت چسبندگی پیدا کرده (الصفات، ۱۱/۳۷) و بعد به حالت خشکیده درآمد و هم چون سفال گردیده است (الرحمن، ۱۴/۵۵). فاصله زمانی این مراحل که چند سال طول کشیده روشن نیست. این قسمت نشان دهنده مراحل تشکیل جسم آدم (ع) است که همچنان تکمیل شد، تا به صورت یک جسد کامل درآمد، آنگاه خداوند تبارک و تعالی به هنگام غروب روز جمعه از روح خویش در آدم (ع) دمید^۹، و به صورت کامل او را زنده ساخت.

دوم: انتخاب آدم (ع) از جانب خداوند به پیامبری: قرآن در این خصوص می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۳/۳۳)؛ «به حقیقت خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید». هنگامی که خداوند اراده کرد تا در زمین خلیفه و نماینده ای که حاکم زمین باشد قرار دهد، این موضوع را به فرشتگان خبر داد، ولی فرشتگان از این خبر شگفت زده شدند و با خود گفتند: کسی که جانشین خدا در زمین او خواهد شد هرگز نمی تواند عالمی برپا سازد که از نظر پاکی و رحمت برابر با ملکوت آسمان باشد، چه این که خداوند پیش از آدم (ع) انسان هایی را آفریده بود و آنان در زمین به فساد و تباهی پرداختند. فرشتگان به خدای خود چنین عرضه داشتند: «آیا در زمین انسانی را قرار می دهی که با گناه و معصیت در آن، فساد کند و به خونریزی پردازد، در حالی که ما آن گونه که در شأن توست، تو را منزّه دانسته و به شکرانه ات تو را مدح و ستایش می کنیم!» فرشتگان بدین جهت این سخن را به خدای خویش

عرضه کردند، که خویشان را برتر از آفریده ای می دانستند که قرار بود جانشین قرار گیرد و خود را به جانشینی در زمین سزاوارتر از او می پنداشتند. اما خدای متعال با اسرار غیبی که بر آنان پوشیده بود و حکمتی که خاص آفرینش آدم (ع) بود به آنان پاسخ داد: «خداوند چیزی را می داند که آنان از آن آگاهی ندارند» (البقره، ۲/۳۰).

سوم: تعلیم اسماء به آدم (ع): پس از آن که خداوند، حضرت آدم (ع) را آفرید، اسماء را به وی آموخت، تا در زمین توان یافته و به نحوی بایسته از آن ها بهره مند گردد، از طرفی خدای سبحان اراده فرموده بود که عیناً به فرشتگان بنمایاند، این آفریده جدیدی که به دیده حقارت بدان می نگریستند، دارای دانش و شناختی برتر از آنان است و به همین دلیل از آنان خواست که اگر به گمان خود راست می گویند و به جانشینی در زمین از آدم (ع) سزاوارترند، به وی خبر دهند، از آن اسمائی که تعلیم آدم (ع) داده شد. ولی فرشتگان از پاسخ درمانده و با عذر و پوزش، خدای خویش را مخاطب قرار دادند: «خدایا ما تو را آن گونه که سزاواری، منزّه می دانیم و بر اراده تو معترض نیستیم، چرا که ما از علم و دانش جز آن چه به ما بخشیده ای، بهره ای نداریم و تو از هر چیز آگاهی، و کارهایت بر اساس حکمت است».

سپس خداوند به آدم (ع) فرمود: «ای آدم [ع] خبر بده به آن فرشتگان از آن اسماء [که به تو تعلیم داده شده است]». وقتی که آدم [ع] فرشتگان را از آن اسماء خبر داد، فرشتگان در شگفتی فرو رفتند، خداوند به آن ها فرمود: «آیا به شما نگفته بودم که من [خداوند] عالم به غیب و پنهانی های آسمان ها و زمین هستم و آگاهم به آن چه آشکارا می گویند و آن چه را نپنهان می دارید» (البقره، ۲/۳۳-۳۱).

آفرینش زن در تورات

تورات پس از بیان کیفیت آفرینش آسمان و زمین که توسط خداوند در طی هفت روز صورت گرفته به خلقت آدم و حوا اشاره می کند.

مضمون آیات تورات که مشتمل بر نحوه آفرینش حوا می باشد چنین است:

«و خداوند خدا گفت خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش معاونی موافق وی

بسازم» (سفر پیدایش باب ۲ آیه ۱۸).

«و خداوند خدا خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخفت و یکی از دنده هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد» (سفر پیدایش باب ۲ آیه ۲۱).

«خداوند خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد» (سفر پیدایش باب ۲ آیه ۲۲).

«و آدم گفت همانا این است استخوانی از استخوانهایم و گوشتی از گوشتم از این سبب نساء نامیده شود زیرا که از انسان گرفته شد» (سفر پیدایش باب ۲ آیه ۲۳).

«از این سبب مرد پدر و مادر خود را ترک کرده با زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند بود» (سفر پیدایش باب ۲ آیه ۲۴).

«و آدم و زنش هر دو برهنه بودند و خجلت نداشتند» (سفر پیدایش باب ۲ آیه ۲۵).

آفرینش زن در قرآن

به تصریح قرآن کریم، گوهر وجودی آدم و حوا دارای منشأ واحد است که از آن به «نفس واحده» تعبیر شده است.

قرآن مجید می فرماید:

«خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (الزمر، ۶/۳۹)؛ «او شما نوع بشر را از

یک نفس آفرید؛ پس از آن جفت او را قرار داد».

«مَا خَلَقَكُمْ وَلَا بَعَثَكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» (لقمان، ۲۸/۳۱)؛ «خلق شما

و برانگیختن شما [در قیامت] مگر مانند نفس واحدی نیست؛ همانا خداوند شنوا و بینا است».

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (الأعراف، ۱۸۹/۷)؛

«اوست خدایی که همه شما را از نفس واحدی آفرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت تا به او آرام گیرد».

«وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ»

(الانعام، ۹۸/۶)؛ «اوست خدایی که همه شما را از یک نفس [تن]؛ در آرامگاه [رحم] ودیعت گاه [صلب]، بیافرید. ما نیکو آیات خود را برای اهل بصیرت، مفصل بیان نموده ایم».

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (النساء، ۱/۴)؛

«ای مردم از پروردگارتان بترسید آن خدایی که همه شما را از یک نفس [تن] آفرید و همسر او را نیز از جنس او آفرید».

حال باید دید مقصود از نفس واحده چیست؟ نفس در لغت به معنای یک چیز است؛ «جائنی هو نفسه و بنفسه»؛ یعنی: خود او نزد من آمد.

علامه طباطبایی در ذیل آیه ۱ سوره نساء می گوید: مراد از نفس انسان چیزی است که انسان به واسطه آن انسان شده است و از ظاهر عبارت چنین استفاده می شود که مقصود از «نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» آدم و از «زَوْجَهَا» زن او باشد و این دو پدر و مادر نسل انسان کنونی می باشند که ما از آنان هستیم». برخی با در نظر گرفتن «وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» می گویند همسر آدم از بدن آدم آفریده شده است؛ همان گونه که در آیین یهود معتقدند که همسر آدم از یکی از دنده های آدم آفریده شده است.^{۱۰}

راغب در ارتباط با معنای زوج، چنین می گوید: به هر نر و ماده ای که از طبقه حیوان بوده و با یکدیگر جفت شوند؛ زوج گفته می شود و وسیعتر از این، اطلاق زوج است به هر چیزی که با چیز دیگر که مانند و یا ضد اوست همراه باشد.^{۱۱}

سایر آیات قرآن نیز سبب رفع ابهام از این مطلب می شود؛ خداوند متعال می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (الروم، ۲۱/۳۰)؛ «از نشانه های قدرت پروردگار است که همسران شما را از جنس خودتان آفرید تا به وسیله آنها آرامش یابید».

و هم چنین آیه: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (النحل، ۷۲/۱۶) بر این مطلب که خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد تصریح می کند.

علامه طباطبایی می گوید: ظاهر جمله «وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» این است که زوج این فرد هم مثل خودش است و این افراد پراکنده همه به دو فرد همانند برمی گردند.^{۱۲}

آفرینش حوا در روایات

در مورد خلقت جسم آدم هم به تصریح آیات و روایات از گل، خاک، گل بدبو، بوده است. ولی در مورد خلقت حضرت حوا در قرآن تصریح نگردیده است لکن سه دسته روایت در این زمینه وجود دارد:

دسته اول: روایاتی که به تبعیت از تورات خلقت آدم را از دنده چپ می دانند! در روایتی که توسط بعضی از اهل کتاب که به اسلام گرویده اند نقل شده، آمده است: خداوند بر آدم خواب را مستولی ساخت سپس دنده ای از دنده های پهلوی چپ او را برداشت و جای آن را گوشت پر کرد در حالی که آدم خواب بود تا این که خداوند همسرش حوا را از دنده او آفرید^{۱۳}. در تورات موجود نیزهم چنان که گذشت چنین آمده است.

دسته دوم: روایاتی که به صراحت خلقت حوا از دنده چپ آدم را انکار و ایرادات آن را بیان می کند.

در من لایحضره الفقیه از قول امام صادق (ع) روایتی نقل شده است: ثم سئل (ع) من خلق حواء و قيل له إن أناساً عندنا يقولون إن الله عز وجل خلق حواء من ضلع آدم الأيسر الاقصى؟ قال: «سبحان الله و تعالی عن ذلك علواً كبيراً، أيقول من يقول هذا إن الله تبارك و تعالی لم یکن له من القدرة ما یخلق لآدم زوجته من غیر ضلعه و جعل للمتکلم من أهل التشنیع سبیلاً إلى الکلام، أن یقول آدم کان ینکح بعضه بعضاً...» ثم قال (ع): «إن الله تبارک و تعالی لما خلق آدم من طین و أمر الملائکه فسجدوا له ألقى علیه السببات ثم ابتدع له حواء»؛ زواره نقل می کند که در حضور امام صادق (ع) درباره خلقت حوا سؤال شد و این که نزد ما مردمی هستند که می گویند: خداوند حوا را از آخرین دنده چپ آدم آفرید: امام صادق (ع) فرمود: «خداوند از چنین نسبتی منزّه و برتر است؛ آیا کسی که چنین می گوید می پندارد خداوند توان آن را نداشت که همسر آدم (ع) را از غیر دنده او خلق کند؟! تا بهانه به دست ملامت گران دهد که بگویند بعض اجزاء آدم با بعض دیگر ازدواج کرد...»؛ سپس فرمود: «خداوند آدم را از گل آفرید و امر کرد به ملائکه که بر او سجده کنند تا این که خواب را بر او مستولی ساخت و سپس حوا را به طور نوظهور پدید آورد»^{۱۴}.

از بررسی آیات و احادیث مذکور چنین به نظر میرسد که خداوند در آفرینش زن و مرد هیچ گونه تبعیضی قائل نشده است و جمله: «نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» در آیات کنایه از حضرت آدم (ع) و «وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» همسر وی می باشد که از جنس خود اوست. بنابراین زن از جنس مرد و از سرشتی همانند سرشت مردان برخوردار است.

دسته سوم: روایاتی که خلقت حوا را از زیادی گل آدم می داند. در روایت دیگری ضمن ردّ نظریه اول - خلقت حوا از دنده چپ - بر آفرینش حوا از باقیمانده گل آدم تأکید

می نماید .

أنه سئل من أي شيء خلق الله حواء؟ فقال: «أي شيء يقولون هذا الخلق؟» قلت: يقولون أن الله خلقها من ضلع من أضلاع آدم. فقال: «كذبوا كان يعجزه أن يخلقها من غير ضلعه... فقال: «أخبرني أبي عن آباءه (ع) قال: قال رسول الله (ص): إن الله تبارك وتعالى قبض قبضة من طين فخلطها بيمينه وكتلتا يديه يمين فخلق منها آدم وفضلت فضلة من الطين فخلق منها حواء»؛ عمر بن أبي مقدام از پدرش نقل می کند که از امام باقر (ع) پرسیدم: خداوند متعال حوا را از چه چیزی آفرید؟ فرمود: «مردم در این مورد چه می گویند؟» عرض کردم می گویند خدا حوا را از دنده ای از دنده های آدم آفرید. فرمود: «دروغ می گویند آیا خداوند ناتوان بود که او را از راه دیگری به جز دنده آدم بیافریند؟» عرض کردم فدایت شوم! از چه چیزی او را آفریده است؟ فرمود: «پدرم از پدرانش به من خبر داده است که پیامبر (ص) فرمود: خداوند مشتکی از گل برداشت و آن را مخلوط کرد و آدم را آفرید و آن گاه از باقیمانده گل آدم حوا را آفرید». ۱۵

جمع بین روایات: نظریه خلقت حوا از دنده چپ، باطل است چرا که: اولاً، به صراحت مورد انکار دو دسته روایت دیگر قرار گرفته است. ثانیاً، بعضی راویان این روایت از اهل کتاب بوده که به وارد کردن خرافات از تورات و انجیل به روایات صادره از ائمه معصومین (ع) مشهور هستند، لذا روایات آنها مورد پذیرش قرار نگرفته است. روایت دسته دوم دارای سند قوی است و ضمناً با روایت دسته سوم قابل جمع است. که در هر صورت خلقت حوا از دنده چپ آدم را منتفی می نماید. بلکه به تصریح آیات گوهر وجودی زن و مرد و منشأ خلقت هر دو اصیل و واحد بوده و منشأ خلقت بدن انسان نیز از خاک و گل است (الصفات، ۳۷ / ۱۱). حقیقت آن است که آنچه سبب فضیلت تکوینی انسان است همان گوهر مشترک الهی است که زن و مرد را بر همه مخلوقات فضیلت بخشیده است (الاسراء، ۱۷ / ۷۰). و آنچه باعث فضیلت زن و مرد می گردد تقوا و فرمانبرداری خداوند است که زمینه ها و استعداد آن در زن و مرد موجود است (الحجرات، ۴۹ / ۱۳).

انگیزه خلقت حوا

گرچه انگیزه و علت خلقت حضرت حوا همانند سایر پدیده ها به طور کامل و همه

جانبه برای کسی جز خداوند مشخص نیست، اما از دقت در بعضی از آیات، می توان نکته هایی را درباره خلقت حوّا به دست آورد که در این جا به چند نمونه اشاره می شود:

۱. در سوره مبارکه اعراف می فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (الاعراف، ۱۸۹/۷)؛ «یعنی او خدائی است که شما را از نفس واحد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید و آرام گیرد».

باید توجه داشت که مراد از کلمه «زَوْجَهَا» در این آیه، همسر آدم یعنی حوّا است و با عنایت به تعبیر «لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»، انگیزه خلقت «حوّا» به دست خواهد آمد، که خداوند برای آرامش و انس آدم - أبوالبشر - حوّا را آفریده است. ۱۶

۲. در آیه دیگر به نکته های دیگر درباره خلقت همسر اشاره نموده و می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (الروم، ۲۱/۳۰)؛ «از نشانه های او این است که از [نوع] خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد، آری در این نعمت برای مردمی که می اندیشند قطعاً نشانه هایی است».

گرچه این آیه، اختصاص به جریان خلقت حوّا ندارد، اما حوّا به عنوان همسر آدم - أبو البشر - نیز از این قاعده کلی و اصل عمومی بیرون نیست. از نظر این آیه می توان به آفرینش حوّا را اولاً: به عنوان آیتی از آیات خدا دانست چون اگر خلقت همسران سایر انسان ها از نظر قرآن، آیت الهی قلمداد شده پس خلقت حوّا به طریق اولی آیت خدا است. ثانیاً: اگر انگیزه خلقت همسر برای سایر انسان ها برای آرامش آنان معرفی شده، خلقت حوّا به عنوان همسر آدم به طریق اولی می تواند چنین باشد چون در آن زمان غیر از آدم هیچ انسانی وجود نداشته است تا آدم با او انس و آرامش بگیرد. از طرفی مرد و زن در واقع مکمل هم هستند و آن دو به تنهایی در حقیقت ناقص اند و گویا چیزی کم دارند لذا برخی مفسرین در این باره گفته اند: به راستی وجود همسر با ویژگی هایی که در آیه اشاره شده، برای انسان، مایه آرامش زندگی است و یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می شود، این آرامش از اینجا ناشی می شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفائی و نشاط و پرورش یک دیگرند به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته

باشد. ۱۷

تمام این قواعد کلی که درباره همسران سایر انسان ها مطرح است درباره همسر آدم؛ یعنی: حوا نیز مطرح است بلکه به طریق اولی مطرح است. بنابراین تمام علل و انگیزه‌هایی که در خلقت همسران سایر انسان ها وجود دارد درباره خلقت حوا نیز وجود دارد.

۳. از نظر قرآن کریم همه انسان ها از آدم و همسرش حوا پدید آمده اند لذا فرمود: «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (النساء، ۱/۴)؛ «شما را از نفس واحد آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد».

پس یکی از انگیزه‌های خلقت حوا آن بوده است که از طریق او نسل آدم و نوع انسان گسترش پیدا کند. و برخی از بزرگان اهل تفسیر با استناد به آیه یاد شده بدین نکته اصرار دارند که هیچ موجودی غیر از نوع انسان در ازدیاد و گسترش نسل آدم، نقش نداشته است. ۱۸

۴. نکته مهم دیگر این که هر دلیل و انگیزه ای که برای آفرینش سایر موجودات و یا لاقل مردها مطرح است می تواند درباره خلقت حوا نیز مطرح باشد مثلاً اگر قرآن کریم می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات، ۵۱/۵۶)؛ «یعنی من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند».

پس اگر خلقت انسان ها برای عبادت خداوند است، خلقت حوا نیز می تواند برای چنین هدفی باشد، چون هیچ دلیلی وجود ندارد که انگیزه عبادت در آفرینش دیگران مطرح باشد اما در آفرینش حوا مطرح نباشد.

نتیجه گیری

وجوه اشتراک:

۱. زوج بودن در داستان آفرینش: زوج و جفت بودن در داستان آفرینش در تورات و قرآن همگون و متحد به چشم می خورد؛ از این رو، در قرآن خطاب به مردم گفته شده است: ما شما را از جفت؛ یعنی: مرد و زن آفریده ایم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى».

و در تورات نیز آمده است: «و خدا انسان را نر و ماده آفرید».

۲. ماده اولیه : هر دو کتاب تورات و قرآن ماده اولیه خلقت انسان را گل می داند .
 ۳. خلافت حضرت آدم (ع) : حضرت آدم (ع) در داستان آفرینش در قرآن و تورات ، به عنوان خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین مطرح است ؛ از این رو ، تورات چنین حکایت کرده : «و خداوند انسان را برکت داد و به او گفت : بارور و کثیر شوید و زمین را پُر سازید و [تا] در آن تسلط [حکومت] یابید...» - با توجه به قراین که در متن آمده است : «خدا انسان را برکت داد و به او گفت بارور شوید ؛ از واژه تسلط ، حکومت فهمیده می شود - و در قرآن صراحتاً به خلافت آدم (ع) اشاره شده است : «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» .

۴. قلمروی حکومت آدم (ع) : قرآن کریم ، قلمروی حکومت حضرت آدم را زمین و آن چه که در زمین می باشد ، دانسته است : «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» . تورات نیز همین را قائل هست ! از این رو ، در تورات آمده است : «آدم را به صورت ما و موافق و شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهائم و بر تمامی زمین و همه حشرات که بر روی زمین می خزند حکومت نماید» .
 وجوه تمایز :

بین قرآن و تورات در داستان آفرینش در موارد ذیل ، اختلاف و دوگانگی به چشم می آید!

۱. چگونگی خداوند : در داستان آفرینش از دیدگاه قرآن ، هیچ موجودی به شکل خداوند آفریده نشده است . ولی ، در داستان تورات آدم (ع) به شکل خدا آفریده شده است : زیرا در تورات چنین آمده است : «آدم را به صورت ما و موافق و شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهائم و بر تمامی زمین و همه حشرات که بر روی زمین می خزند حکومت نماید» . یعنی این که - نعوذ بالله - خداوند چون انسان ، دارای جسم است و هر جسمی لابد و ناگزیر در مکان و زمان و دارای احتیاجات است . پس خدای تورات مثل بشر نیاز به زمان ، مکان ، خوراک ، پوشاک و دیگر احتیاجات می باشد .

۲. ملاک خلافت : ملاک خلافت حضرت آدم (ع) در تورات ، مثل قرآن برجسته نشده است و فقط آمده که چون به صورت خدا آفریده شده است ، پس باید بر دیگران حکومت کند ! : از این رو ، در تورات آمده است : «آدم (ع) را به صورت ما و موافق و شبیه ما بسازیم

تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهائم و بر تمامی زمین و همه حشرات که بر روی زمین می خزند حکومت نماید».

ولی ملاک خلافت در قرآن، علم حضرت آدم (ع) به اسماء الهی: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» و عجز و ناتوانی فرشتگان از دریافت و درک و فهم آنها: «ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا . . .» بر شمرده شده است.

۳. جهل خدا در کتاب مقدس: در کتاب مقدس خدا برای آفرینش هم نشین جهت آدم، حیوانات را می آفریند و پس از تجربه آفرینش جانوران می فهمد که آن ها هم نشین مناسبی برای آدم نیستند، در نتیجه او حوا را می آفریند. در قرآن خداوند با علم و حکمت کافی، آدم و حوا را پدید آورد.

۴. در قرآن صراحتاً درباره خلقت حوا چیزی بیان نشده، اما تورات خلقت حوا را از دنده چپ آدم می داند، و از بررسی احادیث چنین به نظر می رسد که خداوند در آفرینش زن و مرد هیچ گونه تبعیضی قائل نشده است و جمله «نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» در آیات کنایه از حضرت آدم و «وَوَخَّلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» همسر وی می باشد که از جنس خود اوست. بنابراین زن از جنس مرد و از سرشتی همانند سرشت مردان برخوردار است.

-
- | | |
|--|---|
| ۱۰. المیزان، ۴/۲۱۵. | ۵. قصص الأنبياء «أحمد عطا»/ ۱۲۵. |
| ۱۱. مفردات القرآن «ترجمه خدا پرست»/ ۳۴۲. | ۶. المیزان، ۱۲/۲۲۲-۲۲۷. |
| ۱۲. المیزان، ۴/۲۱۵. | ۷. سوره های الحج، ۲۲/۵؛ آل عمران، ۳/۵۹. |
| ۱۳. الكامل فی التاريخ «ابن أثير»، ۱/۲۰. | ۸. علل الشرايع/ ۴۷۱. |
| ۱۴. من لا يحضره الفقيه، ۳/۳۷۹-۳۸۰. | ۹. تفسير العياشي، ۲/۱۰. |
| ۱۵. بحار الأنوار، ۱۱/۱۱۶. | ۱. قاموس قرآن، ۱/۳۸. |
| ۱۶. تفسير نمونه، ۷/۵۱. | ۲. علل الشرايع/ ۱۴. |
| ۱۷. همان، ۱۶/۳۸۹؛ الميزان، ۱۶/۱۷۳. | ۳. بحار الأنوار، ۱/۱۰۸. |
| ۱۸. الميزان، ۴/۱۴۵. | ۴. همان/ ۶۸. |